



سرمایه گذاری بددتون

حرفه اولیاد

محمد شاهی عربلو - رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس

درک کامل ویژگی‌ها و انواع گوناگون سرمایه گذاری زمینه مناسبی است تا به ارزیابی پیامدهای جریان‌های سرمایه‌ای و شناسایی سیاست لازم برای جذب سرمایه‌های خارجی پرداخته شود در فرایند توسعه اقتصادی کشورها که امروزه در تعامل مستقیم با جهانی شدن اقتصاد می‌باشد تامین منابع مالی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در شرایط کنونی سرمایه گذاری خارجی برای کشورهای میزبان در تعامل با صادرکنندگان سرمایه و تسهیل‌کنندگان آن اهمیت ویژه یافته است بر این اساس برای ارزیابی وضعیت سرمایه گذاری در کشورمان گفتگویی با محمد شاهی عربلو رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس انجام داده‌ایم. آنچه می‌خوانید حاصل گفتگویی ما با ایشان است:

اهمیت سرمایه گذاری و جایگاه آن را در جهان امروز چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حقیقت سرمایه گذاری ریشه تولید و صادرات است و مجموع ۳ مقوله سرمایه گذاری، تولید و صادرات از ارکان اساسی اقتصاد است و بنده سرمایه گذاری را ستون خیمه اقتصاد می‌دانم لذا توسعه سرمایه گذاری که عاملی برای توسعه صنعت تولید و صادرات است از اهمیت بسزایی برخوردار است اگر ما به هر دلیلی از جمله نحوه مدیریت، نظارت و غیره زمینه سرمایه گذاری در کشور را ایجاد نکنیم و رغبت سرمایه گذاری در جامعه نهادینه نشود با پدیده فرار سرمایه‌ها و رکود اقتصادی مواجه خواهیم شد اگر ما بخواهیم کشور را نجات دهیم باید زمینه‌های جذب سرمایه گذاری، کاستن ریسک آن و نگرش واقع بینانه و معنوی به سرمایه گذاری را در کشور نهادینه کنیم.

انواع سرمایه گذاری‌ها کدام است و کشورمان چه پتانسیل‌هایی را در این زمینه دارد؟

همانگونه که مستحضرید سرمایه گذاری عمدتاً با منابع مالی شکل می‌گیرد و در حقیقت ابزار سرمایه گذاری منابع مالی است این منابع در شکل‌های مختلف در قوانین و مرادفات اقتصادی کشورها نهادینه شده که در برخی کشورها این موارد در قوانین بودجه و اقتصادشان درج شده و در کشورهای پیشرفته به بانک‌ها سپرده شده است بهترین نوع سرمایه گذاری نوع آزاد آن است که در این مسیر سیستم بانکی و منابع دولتی همیشه به عنوان حامی منابع مالی پیشنهادی دولتی خصوصی داخلی و خارجی عمل می‌کنند. در کشورهایی که منابع مالی در انحصار دولت است دو اتفاق به وجود آمده اول اینکه انحصار منابع مالی در اختیار دولت موجب رانته شدن این تسهیلات شده و دوم که خیلی خطرناکتر است اینکه همیشه به عنوان مانعی برای منابع مالی غیردولتی داخلی و خارجی بوده است که متأسفانه در کشور ما شرایط از همین نوع است که هم رانته بودن تسهیلات را ایجاد کرده و هم مانعی بر سر راه بخش خصوصی داخلی و سپس سرمایه گذاران خارجی بوده است. لذا ما مشاهده می‌کنیم که برخی از بانک‌های داخلی کشور به بهانه پولشویی از ورود سرمایه‌های خارجی توسط بخش خصوصی به بهانه‌های مختلف جلوگیری می‌کنند و حاضر نیستند که این منابع وارد کشور شده و عرضه تسهیلات افزایش داده شود. طبیعی است که اگر عرضه تسهیلات افزایش داشته باشد نرخ سود تسهیلات کاهش خواهد یافت و اختیارات تصمیم‌گیری تسهیلات گیرنده نسبت به تسهیلات دهنده بیشتر خواهد شد. وقتی اقتصاد در انحصار بخش دولتی باشد آنان حرف اول و آخر را زده و بازار پولی فقط در اختیار آنان خواهد بود ما شاهدیم که علیرغم تصمیمات مجلس و دولت برای توسعه بانک‌های خصوصی در عمل می‌بینیم که همچنان بیش از ۹۵ درصد از بانک‌ها



دولتی بوده و حدود ۵ درصد خصوصی می‌باشد.

منابع سرمایه گذاری در کشورمان را چه می‌بینید؟

منابع سرمایه گذاری در کشور را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود اول منابع سیاسی و دوم اقتصادی. نکته قابل توجه این است که در کشورهایی که منابع اقتصادی به منابع سیاسی غلبه داشته‌اند نتوانسته‌اند منابع اقتصادی را برطرف کرده و سرمایه گذاری را در کشورشان رونق بخشند اما در کشورهایی که منابع سیاسی از منابع اقتصادی بیشتر است حل مشکل تلاش بیشتری می‌طلبند کشور ما از جمله کشورهایی است که منابع سیاسی بیشتر از اقتصادی است و لذا برای رفع این موانع باید راه درازی را پیمود چرا که عوامل مختلفی چون تحرکات سیاسی، تبلیغات انتخاباتی باعث شده نگرش ضد معنوی نسبت به سرمایه گذاری و سرمایه گذار ایجاد شود رفع این دیدگاه‌ها عزم جدی دولت و مجلس را می‌طلبد.

تاثیر قوانین را بر سرمایه گذاری در کشورمان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همانگونه که عرض کردم وجود موانع اقتصادی به دلیل قوانین اقتصادی است که نیاز به دگرگونی و تحول دارد اینکه قوانین تاکنون نتوانسته‌اند راهگشا برای اقتصاد کشور باشند به خاطر این است که هنوز یک نظام اقتصادی پذیرفته شده را در کشور تبیین نکرده‌ایم و اقتصاددین دولت و مجلس برای پذیرش یک نظام اقتصادی به یک روش راهگشا دست نیافته‌اند. مجلس در روزهای اخیر با استفاده از ماده ۵۹ آیین نامه داخلی اقدام به تشکیل کمیسیون ویژه‌ای برای بررسی بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری نموده است و به اعتقاد مجلس این فرمان مقام معظم رهبری یک عمل جراحی بزرگ است که در اقتصاد کشور اتفاق افتاده است که موجب دگرگونی اقتصاد موجود و جایگزین کردن نظام اقتصادی غیر دولتی و درهای باز است. اگر این کمیسیون

موفق شود یک نظام اقتصادی مطلوبی را برای کشور مجسم کند در آن موقع است که تحولات در قوانین اقتصادی و اصلاح این قوانین معنا پیدا خواهد کرد.

چشم انداز آینده سرمایه گذاری در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بنده باید این مزه را به مردم عزیز و همچنین سرمایه گذاران محترم بدهم که از زمان تشکیل دولت نهم عزم جدی برای حمایت از سرمایه گذاری ایجاد شده و مقام معظم رهبری نیز بر این امر تأکید داشته‌اند بر این اساس جلسه‌ای برای احصاء موانع سرمایه گذاری در نهاد ریاست جمهوری تشکیل می‌شود که ریاست این جلسه برعهده معاون اول رئیس جمهور است در این جلسه تعدادی از اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس و همچنین قوه قضائیه شرکت می‌کنند و موانع سرمایه گذاری در کشور را بررسی می‌کنند. عزم جدی برای برطرف کردن این موانع ایجاد شده و لذا چشم انداز آینده را روشن می‌بینم.



توسعه خواهیم یافت؛

اگر بگذارند!

گفتگو با دکتر بهمن آرمان - اقتصاد دان

مواد اولیه غنی از نفت گرفته تا سنگ آهن، مس و سایر مواد معدنی هستند اما هیچ کدام از این کشورها به معنای واقعی ثروتمند نیستند.

به طور مثال به کشوری مانند برزیل که دارای بزرگترین ذخایر سنگ آهن در جهان است اجازه نمی دهند، تولید فولاد خود را افزایش دهد. در حالیکه تولید فولاد در برزیل حدود ۳۰ میلیون تن است یعنی حدود ۱۰ میلیون تن بیشتر از ترکیه و ۲ برابر تولید ایران که رقم قابل توجهی نیست. اما به همین میزان تولید در کشوری مانند ژاپن که دارای یک کیلوگرم سنگ آهن نیست حدود ۱۰۰ میلیون تن است یا در کره جنوبی این تولید به ۴۵ میلیون تن در سال می رسد. زیرا وظیفه برزیل تامین سنگ آهن مورد نیاز کشورهای صنعتی است. اگر کشورهای شرق آسیا را نگاه کنید، می بینید تمام کشورهای توسعه یافته از تایوان تا هنگ کنگ، کره جنوبی تا حدودی اندونزی، مالزی و سنگاپور دارای مواد اولیه و صنایع طبیعی نیستند و مواد اولیه خود را از سایر کشورها تامین می نمایند.

اما در شمال آفریقا و خاورمیانه، کشور صنعتی وجود ندارد زیرا در دریایی از نفت زندگی می کنند زیرا در کشورهای نفت خیز نباید توسعه صنعتی شکل بگیرد. ضمن اینکه کشورهای نفت خیز کم جمعیت هستند و دارای منابع طبیعی فراوانی نیستند و امکان توسعه صنعتی هم در آنها چندان زیاد نیست اما یک استثنا وجود دارد و آن ایران می باشد.

ایران کشوری است که پتانسیل یک کشور ابرقدرتی را دارد زیرا دارای مواد معدنی فراوان و متنوع می باشد به طوری که در آذربایجان شرقی می توانیم از مواد معدنی موجود، مواد اولیه آلومینیوم را تولید کنیم. یا در استان کرمان به روی کمربندی از مس قرار داریم. ذخایر سنگ آهن ایران در ردیف ۱۱ کشور بزرگ دنیا است و علاوه بر آن، ایران شرایط آب و هوایی ابرقدرت شدن را دارد. امری که در اختیار چین، برزیل، روسیه و حتی عربستان نیست. ایران دارای ذخایر نفت و گاز و انرژی می باشد و همانطور که اشاره شد ایران دارای پتانسیل های متعددی است اما طبیعی است که قدرت های بزرگ تمایلی به صنعتی شدن ایران ندارند. ساز و کارهای انجام شده در طول سال ها، به جهتی بوده که تولید به ویژه تولید صنعتی در ایران شکل نگیرد. سیستم بانکی، قانون تجارت، قانون مالیات ها، قانون سرمایه گذاری خارجی، قانون بورس اوراق بهادار، آیین نامه های اجرایی سیستم های بانکی، شیوه خرج کردن دلارهای نفتی، سیستم بوروکراسی حاکم بر بانک مرکزی، برای گشایش اعتبار پروژه های صنعتی در ایران به گونه ای طراحی شده که سرمایه گذاری صنعتی در ایران به وجود نیاید.

مطمئناً تمام ایرانیان در بحبوحه انقلاب سال ۵۷ این گفته نخست وزیر فرانسه را به یاد می آورند که " ما اروپایی ها تحمل یک زاین دیگر در

اقتصاد ایران روزهای پرفراز و نشینی را تجربه می کند. به نظر می رسد علیرغم گذشت یکسال از انتخابات ریاست جمهوری در سال گذشته، صنعت و به طور کلی فعالیت های اقتصادی در حوزه های مختلف آن طور که باید و شاید از ثبات و رونق کافی برخوردار نیستند و یک رکود کلی بر اوضاع اقتصادی کشور حاکم است. اگر چه وضعیت منطقه و شرایط جهانی ناشی از فشارهای برخی قدرت ها روی مسائل مختلف بر روند اقتصاد، توسعه و میزان سرمایه گذاری در ایران تاثیر مستقیم دارد اما بنابر نظر بسیاری از صاحب نظران و صنعتگران شرایط داخلی اعم از قوانین و مقررات دست و پاگیر در حوزه های سرمایه، مالیات، سرمایه گذاری داخلی و خارجی، نظام تامین اجتماعی، قانون کار، تصمیمات چندگانه در دستگاه های مختلف یا جزیره ای عمل کردن دستگاه های مسئول و ... همه و همه به این تفکر دامن می زنند که مشکلات توسعه ای و سرمایه گذاری و رشد اقتصادی ایران بیشتر متأثر از مشکلات داخلی و دستگاه های مسئول دولتی است که صد البته موجبات خرسندی قدرت های بزرگ را نیز فراهم می کند. در این ارتباط گفتگویی داشتیم با دکتر بهمن آرمان که ذیلاً می خوانید.

■ وضعیت توسعه و سرمایه گذاری در ایران را چگونه می بینید؟

تقسیم کار بین المللی در حوزه اقتصاد و صنایع به نحوی است که همواره اقتضا می کند کشورهایی توسعه یافته در رفاه نسبی به سر برند و کشورهای نیز در حال توسعه یا توسعه نیافته با درآمد سرانه بسیار پایین نسبت به کشورهای گروه اول باشند. این گروه از کشورها عمدتاً علیرغم درآمد بسیار پایین دارای ذخایر غنی و عظیم مواد اولیه و انرژی هستند.

اگر به نقشه جغرافی نگاه کنید و از آمریکای شمالی پائین تر بیایید از مکزیک تا منتهی الیه آمریکای جنوبی که خیلی قرار دارد، کشورها را



آسیا را ندانیم. به همین دلیل تمام دنیا می‌دانند یک پتانسیل ابرقدرتی دیگر در دنیا به نام ایران وجود دارد. ایران هم زمانی می‌تواند از این پتانسیل بهره‌مند شود که صنعتی گردد. قدرت‌های بزرگ دنیا از هر ابزاری برای جلوگیری از صنعتی شدن ایران استفاده می‌نمایند. از این ابزارها، می‌توان به راه انداختن جنگ میان ایران و عراق و برخی از اقداماتی که در زمان سرکار آمدن دولت‌هایی مانند دولت موقت بازرگان یا بختیار انجام شد می‌توان اشاره کرد. خیانت‌هایی که باعث وارد آمدن خسارت‌های سنگینی به ایران شد. برای مثال قرارداد اتوپان خلیج فارس که لغو قرارداد در زمان دولت موقت ۲۰۰ میلیون دلار برای ایران خسارت دربرداشت یا قرارداد کشتی سازی خلیج فارس که هنوز در بندرعباس انجام نشده است یا لغو قرارداد اسکله تخلیه مواد بندرعباس که پس از انقلاب با هزینه چند برابر انجام شد یا لغو قرارداد راه آن سریع السیر تهران - خرمشهر، تهران - مشهد و تهران - تبریز که دولت ایران بابت لغو آن خسارت‌های سنگینی را متحمل شد. لغو قرارداد کارخانه فولادسازی مجتمع فولاد اصفهان با شرکت بریتیش استیل که بنده هم در جریان لغو آن بودم و ۶۴ میلیون پوند از بودجه فولاد مبارکه برای آن برداشته شد. اقداماتی جهت لغو قرارداد مجتمع فولاد بندرعباس در زمان دولت موقت توسط آقای معین فر که آن زمان رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی بود نیز انجام گردید که خوشبختانه عمر دولت موقت به لغو آن نرسید. موارد مذکور از ابزارها و فن‌های گوناگونی است که مورد استفاده قدرت‌های بزرگ قرار می‌گیرد تا ایران صنعتی نشود. بنده برای تبیین این بحث به آماری اشاره می‌کنم. در حوزه سرمایه‌گذاری برای هر ایرانی در سال ۱۳۵۶، یک میلیون و ۲۲۲ هزار ریال سرمایه‌گذاری می‌شد، این رقم در سال‌های پایانی جنگ به ۲۲۷ هزار ریال کاهش یافت، در سال ۱۳۷۸ به ۴۲۷ هزار ریال و در سال ۱۳۸۳ به ۵۲۸ هزار ریال رسید. یعنی هنوز ۵۷ درصد از سال ۱۳۵۶ کمتر است.

نکته مهم سهم سرمایه‌گذاری صنعتی در کل سرمایه‌گذاری است. این نسبت در سال ۱۳۵۶، ۳۸ درصد بود یعنی ۳۸ درصد کل سرمایه‌گذاری‌ها در بخش صنعت انجام می‌گرفت، این نسبت در سال پایانی جنگ به ۲۵ درصد رسید که البته به آمار زمان جنگ نمی‌توان اعتماد چندانی داشت، اما در سال ۱۳۸۱ به ۲۵ درصد رسید و این کاهش همچنان ادامه دارد.

سهم تولیدات صنعتی در کل تولید ناخالص داخلی ایران در حدود ۱۸ درصد باقی مانده است درحالی‌که این نسبت در کشورهای صنعتی بیشتر از ۳۰ درصد، در چین ۴۱ درصد و در ترکیه ۲۷ درصد می‌باشد. ارقام مذکور نشان دهنده این است که فرآیند صنعتی شدن در ایران در راستای اجرای سیاست‌های جهانی منجر به محدود کردن رشد صنعتی در ایران کاملاً به دقت انجام گرفته است و درنهایت رشد صنعتی ایران را کاملاً کند کرده‌اند. یعنی ایران باید به عنوان یک کشور تامین‌کننده صرف مواد اولیه کشورهای صنعتی باقی بماند.

در اسفند سال ۱۳۷۵ مقام معظم رهبری به خوزستان رفتند اما به دلیل بارندگی نتوانستند از طرح توسعه نیسکر بازدید انجام دهند و اظهار داشتند که مایلند از پتروشیمی بندر امام خمینی بازدید کنند. در آن جلسه جمله ای را اعلام کردند که بسیار برعکس بود ما نمی‌خواهیم به جهان ظلم کنیم اما می‌خواهیم نفت خود را به آن صورتی که برای ما صرفه بیشتری داشته باشد به فروش برسانیم. در آن زمان این جمله به این مفهوم بود که عزم ایران حرکت به سوی یک کشور توسعه یافته و صنعتی است که در

این میان و در فرآیند صنعتی شدن ایران با مقاومت بین المللی روبروست و آنان به این سادگی ابزار تولید صنعتی را به ما نمی‌دهند.

به خاطر دارم زمانی که ۲۷ - ۲۶ ساله بودم، رومانو پرودی (نخست وزیر فعلی ایتالیا و رئیس سابق کمیسیون اروپا - مدیرعامل بزرگترین گروه صنعتی ایتالیا بود که حدود ۶۰۰ هزار نفر پرسنل داشت) در دانشگاه ما سخنرانی می‌کرد من به عنوان تنها دانشجوی خارجی بودم که از وی سوال کردم چگونه در ایران برای ۳ پروژه کلیدی پالایشگاه تبریز، نیروگاه بندرعباس و مجتمع فولاد بندرعباس قرارداد منعقد کرده‌اید اما پروژه‌هایی که برای ما منفعتی جز واردات کالاها، مصرفی ندارد در دست اجراست و کارخانجات فولاد بندرعباس که برای ایران صنعتی استراتژیک محسوب می‌شود هنوز به مرحله اجرا گذاشته نشده است. وی در پاسخ مغفله کرد و اظهار داشت که فعالیت‌های مقدماتی در دست اجراست و ... بنابراین همیشه صنعتی شدن در کشورهای مثل ایران که دارای مواد اولیه، انرژی، مردم باهوش، بازار بزرگ و ... هستند به سهولت صورت نمی‌گیرد و قدرت‌های بزرگ به ویژه انگلیس و فرانسه موانع زیادی ایجاد می‌کنند. هنوز فرانسه و انگلیس اهداف استعماری خود را تعقیب می‌کنند و به توسعه اقتصادی این منطقه و ایران روی خوش نشان نمی‌دهند. اگر به توسعه صنعتی ایران نگاهی بیندازید ملاحظه می‌کنید اندک کارهایی هم که صورت گرفته یا همکاری‌هایمان مانند آلمان و ایتالیا انجام شده اما فرانسه و انگلیس خیر.

این حقیقت که در ایران روند آمارهای صنعتی رو به نزول است نشان دهنده اعمال یک سیاست با خط مشی جهانی می‌باشد و در اختیار ما نیست و به ما دیکته می‌شود. به اعتقاد من برداشتن موانع، کار چندانی دشواری نیست می‌توان قوانین کشورهایمانند ترکیه، امارات، انونوزی و مالزی که در راه توسعه موفق عمل کرده‌اند را مطالعه نموده و وارد ایران کنیم. در این صورت دیگر با هجوم سرمایه‌گذاران ایرانی در دومی مواجه نخواهیم شد. نمی‌دانم چه دست‌هایی در ایران، بانک مرکزی، وزارت صنایع و وزارت اقتصاد وجود دارد که شرایط را به نحوی هنرمندانه تنظیم می‌کنند تا سرمایه‌گذاری خارج از مرزهای ایران صورت پذیرد. دلایل موانع تولید و عدم سرمایه‌گذاری در ایران عوامل بسیار ریشه‌ای دارد که کاملاً سیاسی است.

■ با توجه به شرایط فعلی ایران در چه بخش‌هایی دارای مزیت نسبی جهت سرمایه‌گذاری است؟

پیش از وقوع انقلاب با کمک مشاوره‌های معتبر خارجی زمینه‌هایی برای سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران ترسیم شد چون تصور می‌کردند درآمدهای نفتی ما در آن میزان نباشد که بتواند تامین‌کننده نیازهای کشور باشد. برای مثال به دنبال تولید یکسری از کالاهایی که ممکن بود در آن مزیت نسبی نداشته باشیم رفتیم. ضمن اینکه در فضای دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی، اقتصاد جهانی، اقتصادی حمایتی بود و مانند امروز اقتصاد آزاد محسوب نمی‌شد. نامی از سازمان تجارت جهانی برده نمی‌شد و حتی در کشورهای توسعه یافته تعرفه وجود داشت. بعدها که قیمت نفت افزایش یافت دولت در برنامه ۵ ساله پنجم اهداف کمی خود را تغییر داد و پروژه‌های بسیار بزرگی را به مرحله اجرا گذاشت اما این برنامه‌ها به حدی سنگین بود که زیرساخت‌های لازم برای تحمل آن را نداشتیم. نه بنادر کفاف می‌داد، نه نیروی کار

کافی در اختیار داشتیم و نه زمینه‌های لازم وجود داشت. سرانجام انقلاب پیروز شد و جنگ هم در این میان خسارات متعددی وارد ساخت. تا اینکه دولت هاشمی رفسنجانی سرکار آمد که می‌توان گفت درخشان‌ترین دوره‌ای بود که ما در طول ۲۸ سال اخیر داشتیم. به عنوان یک اقتصاددان معتقدم که توسعه صنعتی و عمرانی ایران بدون ۸ سال دوره سازندگی معنا و مفهومی ندارد. اکثر طرح‌های سازندگی از سدها گرفته تا مجتمع‌های فولادسازی و ... که هنوز در حال تکمیل می‌باشد متعلق به آن دوره است.

در حال حاضر دنیا، اصل جهانی شدن اقتصاد را پذیرفته است یعنی تولید یکسری از کالاها نه در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای توسعه یافته اقتصادی ندارد. اگر به کشورهای صنعتی به ویژه اروپا بروید ملاحظه می‌کنید که دیگر در اروپا مارک‌های لوازم خانگی برچسب ساخت اروپا ندارد. تولید لوازم خانگی و صوفی و تصوفی در انحصار چین، کره، ژاپن و اخیراً چین می‌باشد. در واقع دیگر تولید این محصولات برای اروپا مفرور به صرفه نیست. به بیان دیگر دنیا پذیرفته که تولید این نوع کالاها را به کشورهای شرق آسیا بسپارد و آنها در ابعاد میلیونی به تولید محصولات می‌پردازند. من در سفر به کره جنوبی از یک کارخانه کولر گازی بازدید کردم که تولیدی معادل ۲/۵ میلیون کولر گازی در سال دارد و این تازه تولید یکی از کارخانجات تولید کننده کولر گازی در این کشور بود. در حالی‌که بزرگترین کارخانه تولید کولر گازی در ایران که پیش از انقلاب راه اندازی شده به زحمت در سال ۱۰ هزار کولر گازی تولید می‌کند. طبیعی است این کارخانه در مقابل کارخانه کره‌ای نمی‌تواند از لحاظ تکنولوژی و قیمت رقابت نماید. به عقیده بنده در تولید لوازم خانگی، تلویزیون و ... ایران هیچ گونه مزیت نسبی ندارد. سهام بزرگترین کارخانه تولید لوازم خانگی ایران در بورس تهران به زیر قیمت اسمی به فروش می‌رود.

اما در صنایع مرتبط با انرژی از مزیت‌های نسبی فوق‌العاده‌ای برخوردار هستیم که قادرند برای کشور چند صد برابر ارزش افزوده ایجاد نمایند. برای مثال سنگ آهن را که تولید آن برای کشور شاید تنی ۳۰ دلار هم تمام نشود اگر به فولاد تبدیل کنند تنی ۶۰۰ دلار در بازار جهانی ارزش دارد و یا اگر به فولاد ضد زنگ تبدیل گردد در بازار جهانی تنی ۳ هزار دلار ارزش خواهد داشت یعنی به سادگی می‌توان ۳۰ دلار را به ۳ هزار دلار تبدیل کرد. اگر مواد پتروشیمی به نوع پیشرفته‌ای از PVC تبدیل شود قیمت فراوانی در بازار جهانی دارد. آلومینیوم را می‌توانیم به قیمت ۲ هزار و ۵۰۰ دلار به فروش برسانیم یا مس در حال حاضر ۸ هزار و ۵۰۰ دلار قیمت دارد. با احداث سد کارون و صادرات ۲۰ هزار مگاوات نیز سودسزای نصیب کشور می‌شود زیرا تولید هزار مگاوات برق معادل ۷۰۰ میلیون دلار در سال مصرف نفت است. یعنی می‌توانیم ۱۴

میلیارد دلار تنها از رود کارون بدست آوریم. اما این مطلب که عنوان نمود می‌خواهیم در تولید لوازم خانگی با کره رقابت کنیم حرف ابلهانه‌ای است زیرا حداکثر می‌توانیم واردکننده تکنولوژی کشورهای سازنده باشیم نه بیشتر.

باید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به طرف ایران سوق داد اما آیا قوانین ما اجازه می‌دهد؟ سرمایه‌گذاران خارجی اعلام کرده‌اند که حاضرند فولاد مبارکه را از ایران خریداری نمایند و در عرض ۲ سال ظرفیت آن را به ۱۰ میلیون تن برسانند اما رئیس جمهور حتی حاضر نشد با آنها مذاکره نماید در صورتیکه اگر این تقاضا در هر نقطه دیگر مطرح می‌شد با استقبال آن کشور مواجه می‌گردید. دولت ایران هم بلافاصله برای این که چنین واگذاری صورت نگیرد بخشی از سهام فولاد مبارکه را به نهادهای دولتی واگذار نمود. با این اقدامات آیا توسعه صنعتی در کشور شکل خواهد گرفت؟ آیا می‌توانیم به سمت مزیای نسبی حرکت کنیم؟ چه انتظاراتی است که تولید فولاد در کشور به ۳۵ میلیون تن برسد؟ اشکال از کجاست؟ از اینکه قوانین داخلی ما اجازه تراکم سرمایه را نمی‌دهد. ایران در ۳۰ سال با تکنولوژی‌های آن زمان بیش مجموعه بزرگی به نام اکیبان را احداث نمود. درحالی‌که تولید سیمان کشور حدود ۸ میلیون تن بود این مجموعه در عرض ۲ سال ساخته شد اما امروز که تکنولوژی ساختمان سازی در دنیا پیشرفت چشمگیری داشته و در جنوب خلیج فارس ساختمان‌های ۸۰ و ۹۰ طبقه را در کمتر از ۳ سال می‌سازند ما نتوانسته‌ایم مجموعه‌ای شبیه اکیبان را در ایران بسازیم. علت چیست؟ تولید سیمان ایران که به مرز ۳۵ میلیون تن در سال و تولید فولاد هم از یک میلیون تن به ۱۰ میلیون تن رسیده است. تعداد مهندسان هم افزایش یافته و تکنولوژی ساختمان سازی هم که در دنیا ارتقا یافته است پس علت عقب ماندگی ما چیست؟ در تمام دنیا بورس نقش تعیین‌کننده در تامین منابع مالی برای فعالیت‌های اقتصادی دارد اما متأسفانه بورس در ایران به گفته دکتر احمدی نژاد، قمارخانه است. این بورس تا به حال برای شرکت‌ها چه اقدامی انجام داده است؟ اگر شرکتی بخواهد طرح توسعه‌ای اجرا نماید و نیاز به منابع مالی داشته باشد آیا بورس قادر به رفع مشکلات آن می‌باشد؟ من این مسائل را با دبیرکل بورس تهران مطرح کردم اما وی هیچ عکس‌العملی از خود نشان نداد. حتی اعلام آمادگی کردم که مسائل بورس را با کمک یکدیگر مرتفع کنیم اما وی حتی از این طرح استقبال هم نکرد. پس بورس چه فایده‌ای دارد؟ این که عده‌ای صبح به آن بایند و بعداً ظهر باز گردند و عده‌ای با زد و بند اوضاع مالی خود را بهبود بخشند؟

من معتقد نیستم که دنیا را همه مردم می‌سازند. دنیا را عده‌ای خاص مانند نیوتن، داونیچچی، وات، ادیسون

نکته مهم سهم سرمایه‌گذاری صنعتی در کل سرمایه‌گذاری است. این نسبت در سال ۱۳۵۶، ۳۸ درصد بود یعنی ۳۸ درصد کل سرمایه‌گذاری‌ها در بخش صنعت انجام می‌گرفت، این نسبت در سال پایانی جنگ به ۲۵ درصد رسید که البته به آمار زمان جنگ نمی‌توان اعتماد چندانی داشت، اما در سال ۱۳۸۱ به ۲۵ درصد رسید و این کاهش همچنان ادامه دارد.

و... ساخته‌اند ایران را هم تعداد اندکی می‌توانند بسازند. در مورد توسعه ایران نیز اینچنین است. گروهی از نخبگان و مسئولین به راحتی می‌توانند با تشریح مساعی مسائل و مشکلات توسعه اقتصادی ایران را حل کنند اما متأسفانه بعضی فاسد هستند و به خاطر کشورشان حاضر نیستند گامی بردارند تا جایی سخنانی می‌گویند و مطالبی می‌نویسند که در برگزیده منافع شخص آنها باشد. آن تعداد انگشت شمار هم که دلسوز واقعی هستند بایشان گوش شنوایی وجود ندارد. به این عده میدان داده نمی‌شود وگرنه موانع تولید چیزی نیست که درباره آن مقاله نوشته یا مصاحبه انجام شود!

■ اشاره کردید که رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری کار چندان دشواری نیست به عقیده شما مهمترین موانع سرمایه‌گذاری در ایران چیست و چگونه می‌توان آن را حل کرد؟

تفکر ضد توسعه‌ای و حرکت در راستای تز جهانی که ایران همیشه باید تامین کننده مواد اولیه برای کشورهای صنعتی باشد هنوز وجود دارد. ما محکومیم که در این وضعیت به زندگی خود ادامه دهیم. چون مواد اولیه در اختیار داریم. اگر از آن بی بهره بودیم، اجازه می‌دادند مانند مالزی، کره جنوبی، ترکیه و... توسعه پیدا کنیم زیرا توسعه آنان تحت کنترل است و

بورس ما به قمارخانه تبدیل شده است و قادر به تامین منابع مالی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیست. فعالیتی که در بورس ما انجام می‌پذیرد از نظر شرعی جای اشکال دارد و مراجع مذهبی باید در مورد آنچه که در بورس انجام می‌گیرد نظر قطعی خود را اعلام نمایند و بورس را به جایی هدایت نمایند که تامین‌کننده منابع مالی برای فعالیت‌های توسعه اقتصادی باشد

در جهان امروز با شکست مواجه است.

ما تجربه وام‌های ۳ میلیون تومانی خود اشتغالی را داریم که ۹ هزار میلیارد ریال را در تور مصرف و تورم سوزانده ایم. دولت جدید این کار را در ابعاد نجومی و ۱۸۰ هزار میلیارد ریال انجام می‌دهد یعنی ۵۰ هزار میلیارد ریال بیشتر از کل بودجه عمرانی کشور. این کشور در کاهش تورم خواهند سوزاند. از حالا پاندهای مافیایی برای استفاده از ۱۸۰ هزار میلیارد ریال در حال شکل‌گیری است و بعضاً از این وام‌ها استفاده هم می‌شود و پول‌ها به خارج از کشور منتقل می‌گردد. به عقیده من از وام‌های صنایع زودبازده، تولیدی عاید کشور را نمی‌شود در حالیکه پروژه‌های نیمه تمام بدون منابع مالی به روی زمین باقی مانده‌اند و بعضی از آنها درگیر و دار دریافت حداکثر ۲۰۰ میلیون دلار هستند تا راه بیفتند و تولید و اشتغال پایدار داشته باشند.

همانطور هم که اشاره کردم بورس ما به قمارخانه تبدیل شده است و قادر به تامین منابع مالی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیست. فعالیتی که در بورس ما انجام می‌پذیرد از نظر شرعی جای اشکال دارد و مراجع مذهبی باید در مورد آنچه که در بورس انجام می‌گیرد نظر قطعی خود را اعلام نمایند و بورس را به جایی هدایت نمایند که تامین‌کننده منابع مالی برای فعالیت‌های توسعه اقتصادی باشد نه مکانی برای عده‌ای که بتوانند از طریق درآمدهای میلیاردری و فساد مالی وضعیت خود را سر و سامان دهند.

در حال حاضر قوانین کشور ضد تولید است با این قوانین نمی‌توان انتظار تولید و سرمایه‌گذاری را داشت. قانون تجارت ما به دلیل قدیمی بودن پاسخگو و مناسب تجارت و شرایط امروز نیست. تمام این موارد درد اقتصاد ایران است و همه می‌دانند و به سادگی از کنار آن عبور می‌کنند. تمام آنچه به اقتصاد ایران سایه افکنده، یک سیاست ضد توسعه‌ای و همگام با سیاست‌های کلان کشورهای صنعتی دال بر عقب‌نگهداشتن ایران است. آنها می‌خواهند از صنعتی شدن ایران جلوگیری نمایند و آن را به کشور تامین‌کننده مواد اولیه برای کشورهای صنعتی تبدیل نمایند تا زمانی که این نگرش مورد بازبینی قرار نگیرد و مجریان چنین سیاست‌های شومی از رده‌های تصمیم‌گیری دور نشوند، وضعیت به همین شکل خواهد بود.



پروپاگاندای علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مشکلات حساب ذخیره ارزی که برای نخستین بار زمینه‌ای را فراهم کرد که درآمدهای حاصل از فروش نفت در بخش مولد اقتصاد کشور تزریق شوند را حل کنیم. در حال حاضر پرونده‌هایی وجود دارد که از طریق حساب ذخیره ارزی تقاضای وام نموده‌اند و بالغ بر ۲ یا ۳ سال است که هنوز موفق به گشایش اعتبار نشده‌اند. ما هنوز پروژه‌هایی داریم که سهمیه ارزی ۲-۳ سال پیش به آنها تعلق گرفته است اما به دلیل بوروکراسی‌های پیچیده و مشکوک بانک مرکزی قادر به گشایش اعتبار و واردات تکنولوژی ماشین آلات نیستند. ما از سرمایه‌گذاری در صنایعی که دارای مزیت نسبی هستیم دور شده‌ایم و در بخش‌هایی سرمایه‌گذاری صورت می‌پذیرد که دارای هیچ گونه مزیت نسبی نیستیم. امروز که ظرفیت‌های بهینه در جهان به دلیل جهانی شدن اقتصاد در حال تبدیل شدن به ابعاد تولید در ابعاد جهانی هستند ما هنوز به دنبال ایجاد صنایع کوچک هستیم و تز دولت جدید به حمایت از صنایع کوچک و زودبازده استوار شده است در حالیکه این تز

کره جنوبی و مالزی نشان دهنده این است که چنین کاری در مورد ایران با درآمد ۶۰-۵۰ میلیارد دلاری در بخش نفت، پتروشیمی و گاز در یک مدت حداکثر ۸ ساله امکان پذیر است. مالزی که هیچ یک از درآمدها را نداشت و در سال ۱۹۵۷ استقلال خود را از انگلیس بدست آورد توانسته در طول کمتر از ۲ دهه خود را به چرخه کشورهای تازه صنعتی شده و پیشرفته وارد کند. ترکیه هم که اصلاً درآمد نفتی ندارد در مدت مشابهی پیشرفته شد پس برای ایران خیلی سریعتر از کشورهای مذکور فرصت مهیاست. باید فرصت‌های لازم را جهت توسعه ایران و خروج از مدار توسعه نیافتگی فراهم نمود. در مورد عدم توسعه ایران تا به حال کلی‌گویی‌های فراوانی انجام شده است از نماینده مجلس گرفته تا وزرا، مقامات عالی‌رتبه کشور، اقتصاددانان و اساتید دانشگاه پیرامون این اظهار نظرات متعددی کرده‌اند اما راهکار لازم ارائه نشده است. باید قوانین ضد توسعه‌ای، مالیات‌ها، بورس اوراق بهادار و آیین‌نامه‌های اجرایی در بانک مرکزی را مورد بازبینی قرار دهیم. ما باید

چیزی از خود در اختیار نداشتند. اما در مورد ایران اوضاع بدین شکل نیست. ممکن است این فکر را داشته باشند که اگر اقتصاد ایران توانست یکصد میلیارد دلار درآمد غیرنفتی ایجاد نماید شاید دیگر نخواهد به صادرات نفت بپردازد و سایر کشورها را در شرایطی قرار دهد که مجبور به پذیرش آن شوند. لذا سعی می‌کنند ایران را به نحوی اداره نمایند که توسعه در این حد و اندازه بماند.

■ آینده سرمایه‌گذاری در ایران را چگونه مشاهده می‌کنید و برای هدایت سرمایه‌ها به فعالیت‌های مولد چه اقداماتی باید انجام داد؟
ایران در یک شرایط استثنایی قرار گرفته که می‌تواند به راحتی خود از مدار توسعه نیافتگی خارج نماید. خوشبختانه در اثر اقداماتی که از دوره سازندگی در کشور آغاز شده و تکمیل آنها ادامه دارد، زمینه و بسترهای کافی به اندازه لازم فراهم شده است و تصور نمی‌کنم با توجه به درآمدهای ارزی سنگین کشور به مدت زیادی نیاز داشته باشیم. حتی تجربه ما در مورد ترکیه،



میزان اشتغال تابع

از سرمایه گذاری

اله وردی رجایی سلماسی - مدیر عامل بانک سامان

فعالیت بود و افراد پس از ثبت نام، پس از یک یا دو سال با دریافت سود آن را می فروختند. سرمایه گذاری در بخش مسکن نیز از دیگر سرمایه گذاری ها بود. منظور از سرمایه گذاری سپرده های ناچیز افراد و بانک ها نیست بلکه سرمایه گذاری های کلان منظور نظر است. مردم بررسی می کنند که مثلا سرمایه گذاری در اوتومبیل یا در ساختمان به صرفه است و آنها سرمایه خود را در آن بخش ها سرمایه گذاری می کردند در ۲ سال اخیر نیز بورس با مشکلاتی مواجه بود علیرغم اینکه در گذشته سرمایه گذاری در آن در حد مطلوبی انجام می گرفت اتفاقی که در بورس افتاد این بود که قیمت ها به صورت کاذب و غیر واقعی افزایش پیدا کرد و مسلم بود که این در جایی متوقف می شود که اینگونه شد و چون جو در سرمایه گذاری تاثیر دارد مردم نیز تحت تاثیر قرار گرفتند اگر شرایطی فراهم شود که مردم ببینند تعداد زیادی برای خرید یک سهام مشخص یا برای فروش آن صف کشیده اند آنها نیز

بلافاصله از این موضوع پیروی می کند و دیگر بررسی اقتصادی نمی کنند که آیا این کار جنبه مثبتی دارد یا خیر؟ لذا مردم در ۲ سال گذشته مقداری از پول خود را از بورس خارج کردند و چون ساختمان هم متوقف بود یا در بانک ها سپرده گذاری کردند یا از کشور خارج نمودند و کمتر شاهد بودیم که در نگاه های اقتصادی سرمایه گذاری شود حتی کارخانجات موجود نیز به خاطر موانع تولید از جمله فرسودگی ماشین آلات، توان فعالیت بویا ندارند. البته گفته می شود که اخیرا سرمایه گذاری در بخش زمین فعال شده اگر بورس فعال شود سرمایه های سرگردان دوباره به آنجا بازمی گردد. اطمینان به بانک ها در کشور ما وجود دارد و دلیل آن این است که طی ۱۰ سال اخیر بانک ها مشکل خاصی نداشته اند و اگرچه بعد از انقلاب دچار بحران شدند و بعضا ادغام شدند ولی ورشکست نشده و سرمایه مردم دچار لطمه نگردید.

سرمایه گذاری چه نقشی در شکوفایی اقتصاد کشور می تواند ایفا کند؟

یک اصل مهم برای پیشرفت هر کشوری میزان سرمایه گذاری در آن کشور است به عنوان مثال اگر شما بخواهید در کشوری اشتغال ایجاد کنید این کار بدون سرمایه گذاری امکان پذیر نیست با واردات کالای مصرفی هم اشتغال زایی

برای ارزیابی سرمایه گذاری های انجام شده در کشور می توان نگاهی گذرا به میزان اشتغال در کشور داشت چرا که اشتغال تابعی از سرمایه گذاری است البته بدیهی است که سرمایه گذاری در صورتی اشتغال زا خواهد بود که در بخش تولید انجام شود و سرمایه گذاری در تجارت چندان اشتغال زایی ندارد. بانک ها اگرچه در ایران به سرمایه گذاری در تولید تمایل بیشتری دارند ولی مشکلات موجود در خصوص تولید موجب شده که هم متقاضیان تمایل چندانی به سرمایه گذاری در این زمینه نداشته باشند و هم بانک ها و موسسات سرمایه گذاری با در نظر گرفتن مسائل مختلف و مشکلات موجود تمایل کمتری به این کار داشته باشند. در این راستا گفتگویی با آقای اله وردی رجایی سلماسی کارشناس ارشد در زمینه بورس و سرمایه گذاری داشتیم. وی ۱۷ سال سابقه دبیر کلی بورس را داشته و هم اکنون مدیر عامل بانک سامان است. رجایی در مقطعی معاون رئیس کل بانک مرکزی بوده و در دوره ای به عنوان مشاور رئیس کل فعالیت داشته است. آنچه می خوانید حاصل گفتگوی ما با ایشان است.

ارزیابی خود را از وضعیت کلی سرمایه گذاری در ایران بیان فرمایید؟

بنده در زمانی که دبیر کلی بورس را به عهده داشتم همواره تاکید می کردم که پول ارزش زیادی دارد و مراقب پول مردم باشید، چرا که مردم پولشان را از جانشان بیشتر دوست دارند! مردم برای سرمایه گذاری در بانک ها نیز بین بانک های مختلف بررسی می کنند که کدامیک امنیت سرمایه آنها را بیشتر حفظ می کند ضمن اینکه سود بیشتری نیز می پردازد اگر مردم ذره ای احساس عدم امنیت بکنند بلافاصله سرمایه خود را پس می گیرند. در سرمایه گذاری دو موضوع واجد اهمیت بسیاری است اول امنیت سرمایه گذاری و دوم بازدهی آن - افرادی که سرمایه دار هستند شرایط را بررسی می کنند و سپس سرمایه گذاری خود را انجام می دهند شما از اول انقلاب اگر توجه کنید در دوره ای بورس تعطیل و سرمایه گذاری ها در خرید ارز انجام می گرفت یا خرید و فروش موبایل از دیگر زمینه های





**بانک‌ها بیشتر راغب هستند
که در تولید سرمایه‌گذاری
نمایند ولی متاسفانه تقاضا
برای تولید کم است بیشتر
شرکت‌هایی که از قدیم حضور
دارند برای تولید درخواست
تسهیلات می‌دهند و ما شرکت‌های
جدید که تمایل به سرمایه‌گذاری
در تولید داشته باشند را کمتر
مشاهده می‌کنیم. لذا در بخش‌های
خدمات و ساختمان نیز
تسهیلات بیشتری پرداخت
می‌کردیم.**

انجام نمی‌شود. باید توجه داشت که تنها راه حل از بین بردن فقر در کشور تولید است که خود تابعی از میزان سرمایه‌گذاری می‌باشد در کشور ما به نظر می‌رسد که اداره آن با مشکل روبرو است چرا که نفت را فروخته و به جای آن فرآورده‌های مختلفی چون مواد غذایی وارد می‌شود یا پوشاک وارد کرده و کارخانجات خود را به تعطیلی می‌کشانیم! فروش نفت مانند این است که شما فرش منزل خود را فروخته و با آن مواد غذایی بخرید در واقع سرمایه خود را فروخته و هزینه می‌کنید. نفت سرمایه ما است. معادن سرمایه ما است اینها اگر فروخته می‌شود باید به یک دارایی دیگر تبدیل شود سرمایه

باید به یک سرمایه دیگر تبدیل شود چرا که این سرمایه‌ها تجدید می‌شوند و با فروش آنها جایگزینی برای آن وجود نداشته و پس از پایان آنها مشکل به وجود می‌آید. بنده در سال ۱۹۹۰ کشور کره را دیده‌ام در آن زمان آنها چندان شرایط بهتری نسبت به ما نداشتند ولی اکنون به شدت تغییر کرده‌اند و این به خاطر سرمایه‌گذاری‌هایی است که چه به صورت داخلی و چه خارجی در آن کشور انجام شده است. چرا نباید از این سرمایه‌گذاری‌ها در ایران هم انجام شود؟ در حالیکه کشور ما از شرایط بسیار مطلوبی برخوردار است. در گوسهای از ایران کیش می‌توان شنا کرد و در منطقه البرز اسکی می‌کنند این مزیت چهار فصل زمین‌های است که کشاورزی در حد مطلوبی در آن انجام شود یا در زمینه مشتقات نفتی که می‌توان صدها نوع مواد را تهیه نمود. تهیه این مواد می‌تواند اشتغالی گسترده‌ای را به وجود بیاورد و در کل در کشور ما شرایط مطلوبی وجود دارد ولی به خوبی سرمایه‌گذاری نمی‌شود.

■ سرمایه‌گذاری در ایران در چه بخش‌هایی دارای مزیت نسبی است؟

با توجه به اینکه کشور ما بسیار بزرگ و وسیع و دارای منابع زیرزمینی متنوع آب و هوایی که امکانات زیادی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری داریم و اگر سرمایه‌گذار مراجعه کند می‌تواند در معادن مختلف و بخش‌ها کشاورزی، صنعتی و خدماتی سرمایه‌گذاری کند. کشور ما نیروی انسانی خوب و ارزان دارد ولی با همه این امکانات سرمایه‌گذاری مطلوبی صورت نگرفته هنوز مترو در کشور ما نهادینه نشده در صورتیکه در کشورهای خارجی کوچکترین شهرها دارای مترو هستند. مزیت نسبی در بخش‌هایی چون پتروشیمی و نفت نیز وجود دارد با توجه به فرسوده بودن راه‌های بین شهری زمینه سرمایه‌گذاری در بخش راه و ساختمان وجود دارد. ساخت مراکز تفریحی برای مردم از جمله باشگاه‌ها، سینماها و مراکز تاتر تماما در کشور ما امکان سرمایه‌گذاری و سودآوری دارد. سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها در صورتی امکان پذیر است که سرمایه‌گذار احساس امنیت نماید.

■ موانع سرمایه‌گذاری در کشورمان را

سپرده‌های بانکها طبیعتا امکان پرداخت تسهیلات برای تولید یا ساختمان سازی و دیگر بخش‌ها کاهش می‌یابد. سپرده‌گذار به راحتی با خارج کردن سرمایه خود و انتقال به خارج در آنجا که ۲ درصد تورم وجود دارد ۴ درصد سود می‌گیرند و در نتیجه ۲ درصد سود می‌کنند در این شرایط بانک‌ها مجبور می‌شوند حجم تسهیلات اعطائی را کاهش دهند.

■ چشم‌انداز آتی سرمایه‌گذاری در ایران را چگونه می‌بینید؟

این موضوع به روابط بین ایران و دیگر کشورها بستگی دارد تا زمانی‌که نگرانی برای سرمایه‌گذار باشد این اقدام انجام نمی‌گیرد بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی تمایل به فعالیت در ایران دارند چرا که از ظرفیت‌های فراوان ایران مطلع هستند ولی این کار مستلزم وجود امنیت در سرمایه‌گذاری است وقتی سرمایه‌گذاری انجام می‌شود چشم‌انداز اشتغال نیز مطلوب می‌شود چرا که اشتغال تابعی از سرمایه‌گذاری است. به هر حال در این شرایط است که چشم‌انداز مطلوبی برای سرمایه‌گذاری، اشتغال و رفح بیکاری پیش رو خواهیم داشت، باید دانست که با

فروش نفت و واردات کالا اشتغال ایجاد نمی‌شود بلکه تولید است که اشتغال ایجاد می‌کند در سال ۸۴ در کشور ما حدود ۴۰ میلیارد دلار واردات داشته‌ایم چه میزان اشتغال ایجاد شده است؟ مشکل اساسی کشور ما بیکاری است و راه حل آن بجز سرمایه‌گذاری و تولید نیست. اخیرا تصمیم به استخدام ۲۰۰ نفر داشتیم. ۴ هزار ۴۰۰ نفر فقط فارغ التحصیل مدیریت بازرگانی و اقتصاد ثبت نام کرده بودند. این سیل بیکاری چگونه باید حل شود پاسخ فقط در سرمایه‌گذاری و تولید است. بانک‌ها بیشتر راغب هستند که در تولید سرمایه‌گذاری نمایند ولی متاسفانه تقاضا برای تولید کم است بیشتر شرکت‌هایی که از قدیم حضور دارند برای تولید درخواست تسهیلات می‌دهند و ما شرکت‌های جدید که تمایل به سرمایه‌گذاری در تولید داشته باشند را کمتر مشاهده می‌کنیم. لذا در بخش‌های خدمات و ساختمان نیز تسهیلات بیشتری پرداخت می‌کردیم. در گذشته بخش بازرگانی

بیان کنید؟

سرمایه‌گذاری خارجی‌ها و یا ایرانیان مقیم خارج از طریق سازمان بورس اوراق بهادار امکان پذیر است سرمایه‌گذاران خارجی حداکثر تا ۱۰ درصد از یک بانک تحت شرایطی می‌توانند سهام بخرند در حالیکه سرمایه‌گذاران و بویژه بانکهای خارجی درصد بالائی را طلب می‌کنند که بتوانند حداقل یک نفر عضو هیات مدیره داشته باشند. با این مشارکت تکنولوژی می‌آوردند و بانک‌ها را بویا می‌کنند برای ۱۰ درصد سرمایه‌گذاری (برای سرمایه‌گذاران خارجی) کمتر حاضر به سرمایه‌گذاری می‌شوند سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خارجی در ایران شرایطی دارد که کمتر سرمایه‌گذاری حاضر می‌شود سرمایه‌های خود را به ایران منتقل نمایند مثلا گفته شده است که سرمایه‌گذاران خارجی در مدت تا سه سال نمی‌توانند سود خود را از کشور خارج کنند. این موارد موانع سرمایه‌گذاری هستند.

■ با توجه به تورمی که در ایران وجود دارد سرمایه‌گذاران بیشتر راغب هستند در چه بخش‌هایی سرمایه‌گذاری کنند؟

به هر حال سرمایه‌گذار در همه جای دنیا انتظار دارد که سود دریافتی وی بیش از تورم باشد در ایران گفته می‌شود که نرخ بهره‌های بانکی بالاست و ایران را با ژاپن مقایسه می‌کنند و توجه نمی‌کنند که اگر در ایران بهره‌های بانکی بالا است نرخ تورم هم بالاست در ژاپن نرخ تورم منفی و یا برابر صفر است و اگر کسی ۱ درصد سود کند کل آن سود خالصی است در اروپا سود بانکی ۴ درصد و تورم ۱/۵ تا ۲ درصد است. در واقع ۲ برابر میزان تورم سود بانکی داده می‌شود حال آنکه در ایران نرخ سود تسهیلات بانکی برای بانکهای خصوصی ۱۷ درصد و برای بانک‌های دولتی ۱۴ درصد تصویب شده است. اینکه نرخ سودهای بانکی را به صورت دستوری پایین بیاورند مشکلی را حل نمی‌کند. سپرده‌گذاران وقتی پولی در بانک می‌گذارند می‌خواهند درصدی بالاتر از تورم سود بگیرند در غیر این صورت سرمایه خود را از بانک‌ها خارج کرده و به فعالیت‌های غیرمفید و غیراقتصادی اختصاص می‌دهند و با کاهش

دارای سودآوری بیشتر بود و افراد سراغ آن می‌رفتند ولی در حال حاضر هرچند با توجه به رقابتهایی که عرضه‌کنندگان کالا دارند سودآوری این بخش تعدیل شده است معذک بانک حمایت از سرمایه‌گذاری در بخشهای تولیدی و ساختمانی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده است.

■ برای هدایت سرمایه‌گذاری ایرانیان مقیم خارج چه تدابیری باید اندیشید؟

در کشور ما ظرفیت سرمایه‌گذاری بالا است و زمینه آن در حد مطلوبی است ولی این در صورتی است که امنیت سرمایه‌گذاری تامین شود کشور ما زمینه بسیار زیادی برای سرمایه‌گذاری دارد، بخش راه و ساختمان از جمله بخش‌های قابل سرمایه‌گذاری است. در خارج نگاه داشتن پول خود مشکلاتی داردو بعضا سرمایه‌گذاری آن باید کارمزد نیز پرداخت ولی در ایران به سپرده‌ها سود بیشتر داده می‌شود.

■ روند سرمایه‌گذاری در ۵ سال گذشته چگونه بوده است؟

ارقام اعلام شده از سوی بانک مرکزی در این زمینه اطلاعات دقیقی می‌دهد ولی به نظر من اگرچه کارهای زیادی هم انجام شده است اما در هر صورت درصد موفقیت پایین بوده است. نتیجه این امر را در میزان بیکاری موجود در کشور می‌توان دید سرمایه‌گذاری احتیاج به فعالیت دارد و اگر سرمایه‌گذاری نبود مطلقا اشتغال هم ایجاد می‌شد البته این به معنای این نیست که اصلا سرمایه‌گذاری نداشته‌ایم ولی رشد آن کافی نبوده است.

■ ارزیابی شما از نحوه واگذاری سهام توسط دولت به سهامداران کوچکتر و خصوصی چیست؟

برای واگذاری سهام عدالت یک شرکت سرمایه‌گذاری تأسیس شود و کلیه سهام شرکت‌های قابل واگذاری در آن متمرکز شده و سهام آن شرکت را به متقاضیان سهام واگذار می‌کند که می‌تواند در قالب سهام عدالت یا عنوان دیگری انجام پذیرد.



توسعه بدون سرمایه گذاری

سرمایه گذاری در اقتصاد

دکتر احمد ترک نژاد - مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری پارسیان

چشم انداز ۲۰ ساله کشور و موضوع واگذاری سهام بخشهای دولتی به خصوصی از اهم موضوعاتی است که طی سالهای اخیر و خصوصا بعد از کارآمدن دولت جدید مطرح گردیده است تدابیر اندیشیده شده در این چشم انداز بسیار ارز شمند و مقرر می باشد منوط به اینکه ساز و کارهای اجرایی آن نیز بدرستی فراهم شده و اجرا گردد. در بحث واگذاری سهام های دولتی یکی از نکات مهم ایجاد زمینه رقابت سالم برای افراد توانمند می باشد به عبارتی افرادی که توان کار آفرینی و ثروت آفرینی دارند نباید بخاطر وجود روابط غیرمتعارف از حضور در این عرصه که بی شک با حضور آنان شکوفایی کلان کشور را در پی خواهد داشت محروم بمانند در محیط غیر رقابتی حضور افراد خلاق و کار آفرین امری بسیار دشوار است لذا فراهم نمودن ساز و کار مناسب برای رقابتی منصفانه از مهمترین عوامل به منصفه ظهور رسیدن اهداف چشم انداز ۲۰ ساله می باشد در زمینه سرمایه گذاری و شرایط کشور در این زمینه گفتگویی با دکتر احمد ترک نژاد مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری پارسیان انجام داده ایم ایشان فعالیت خود را از جهاد سازندگی شروع کرده و از مراحل پایین به بالا مسوولیت های مختلفی را پذیرفته است از جمله این سمت ها کارشناس جهاد سازندگی شهرستان، استان، رئیس سازمانی استانی جهاد و در مقطعی معاون و زیر جهاد بوده است استانداری کرمانشاه و مدیر عاملی شرکت سرمایه گذاری پارسیان از دیگر مسوولیت های وی است.



بعد از انقلاب باز می گردد و بعضا سرمایه گذاران با مشکلاتی مواجه شدند که البته این مشکلات چندان جدی نبوده است و دلیل اثبات این مساله این است که برخی از نهادهای سرمایه گذاری فعالیت خود را ادامه دادند از طرفی کشور ما با جنگی ناخواسته روبرو شد که آمده بود مانند انقلاب اسلامی را حذف کند و ما به خاطر جنگ بسیاری از امکانات خود را از دست دادیم چون ۵ استان ما بطور مستقیم درگیر جنگ شد و بقیه نقاط کشور نیز متاثر از جنگ بودند در حالیکه ما انباشتی از سرمایه گذاری را نداشتیم بسیاری از سرمایه های موجود را از دست دادیم و بنا بر آمارهای مختلفی که من به خاطر دارم بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار به کشور ما خسارت وارد شد از طرفی پس از جنگ و با روی کار آمدن دولت سازندگی با هدف تحرک بخشی به اقتصاد تلاش جدی شروع شد در آن دوره هم شرایط خیلی مطلوب نبود چرا که هنوز زیرساختها چندان مناسب نبود واحدهای تولیدی آسیبهای جدی دیده بودند منابع لازم برای تحرک جدی در اقتصاد کمتر وجود داشت و کشور رو به استقراری

■ در مورد اهمیت سرمایه گذاری و شرایط فعلی کشورمان از این نظر توضیح فرمائید.

توسعه به معنای عام بدون سرمایه گذاری غیرممکن است حال در هر بخشی که بخواهد باشد اعم از اجتماعی، اقتصادی، البته معمولا منظور سرمایه گذاری اقتصادی مطرح است رویه طی شده تاکنون برای سرمایه گذاری در کشور بنظر من مثبت بوده است و به لحاظ قوانین موجود به توفیقاتی دست یافته ایم. ولی با مشکلاتی نیز مواجه بوده ایم که به شرایط

آورده و با مشکلات آن روبرو بود بعد از این دوره و در برنامه سوم توسعه مساله سرمایه گذاری بطور جدی تر مورد توجه قرار گرفت. در این دوره از نظر فرهنگی نیز اتفاقاتی افتاده بود و به سرمایه گذاران به چشم افرادی که خون دیگران را می مکند یا سرمایه دار نگاه می شد در برنامه سوم پایه بنیادینی چه از لحاظ سخت افزاری و چه نرم افزاری گذاشته شد چون زیرساخت ها به لحاظ ناآرامی انرژی، منابع آب، و زیرساختهای راه شکل گرفته بود همچنین ایجاد شرکتهای صنعتی موجب شده بود که کلا شرایط به خوبی شکل بگیرد در این زمان با تحرک در قیمت نفت هم مواجه شدیم از طرفی دولت به لحاظ قانونی اقدامات مثبتی را صورت داده بود که از جمله نظام مالیاتی، تجمیع عوارض، یکسان سازی نرخ ارز و صندوق ذخیره ارزی از این موارد است. در زمینه روابط خارجی نسبتا اقدامات مطلوبی شکل گرفته بود این شرایط وضعیت مناسبی پدید آورده بود که اگر ادامه پیدا می کرد در حال حاضر شرایط بهتری نسبت به وضع کنونی داشتیم آنچه که باید به آن توجه کنیم این است که فرهنگ کارآفرینی و ثروت آفرینی تبدیل به ارزش شود و افرادی که در این وادی فعالیت می کنند از جایگاه و منزلت اجتماعی بالایی برخوردار شوند اگر این اتفاق نیفتد این به معنای وجود یک بن بست در توسعه و پیشرفت کشور خواهد بود. اینگونه نیست که نیاز باشد همه مردم کارآفرین شوند و از یک میلیون نفر تعداد محدودی کارآفرین می شوند و در کشورهای دیگر نیز همینگونه است مثلا در ژاپن یا کره نیز تعداد محدودی کارآفرین شدند و بعنوان لیدر و رهبر عمل کردند و قوانین را طوری فراهم کردند که زمینه رشد و ارتقاء این قشر فراهم گردد اگر این اقدامها نمی شد سرمایه گذاری هم انجام نمی گرفت کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست البته اگر افرادی از طریق ارتباطات نامتعارف به ثروت برسند ما آنها را کارآفرین نمی دانیم و آنها بخاطر وجود مشکل در قوانین و مقررات توانسته اند به این ثروتها برسند و در کشور ما فعالیتها دو حالت دارند یا اتفاقی هستند یا غیرانتفاعی - در فعالیتهای انتفاعی شما می توانید با تعیین و مشخص نمودن یک کشف منافع را مشخص کنید مثلا می گوید بنده حمل و نقل دریایی را می خواهم حقوقی بکنم فعلا اگر این کار در سطح مطلوبی مدیریت شود حتما این فعالیت انتفاعی است. اگر این فعالیت اعلام شود که مبلغ مشخصی سود دارد هر گروهی بیشتر این مبلغ را بربرد از این شرکت به آن گروه واگذار می گردد آیا در چنین شرایطی رانت می تواند اتفاق بیفتد بدیهی است که در این حالت رانتی اتفاق نیفتاده و منافع ملت و کشور حفظ می شود در این مقوله نقش مدیریت بسیار مهم است چرا که هر مدیری تلاش می کند که هزینه ها را به حداقل برساند تا این فعالیت سودآوری بیشتری داشته باشد. مثال دیگر اپراتور دوم مخابرات است اگر متولیان این بخش در مزایده ای این فعالیت را به رقابت بین شرکتهای داخلی و شرکتهای خارجی می گذاشتند و هر شرکت که مدیریت قوی تر داشت و منافع ما را بیشتر تأمین می نمود عهده دار مسوولیت آن بود تا این اندازه جنجال بر سر آن بره می افتاد. در بخشهایی که کمک زیان یا پارهانه پرداخت می شود مثل هواپیمایی می توان بدینگونه عمل کرد که هر شرکتی که بتواند با اخذ پارهانه کمتر این خدمات را با کیفیت مطلوب ارائه دهد فعالیت شرکت را به او واگذار نمایم در چنین شرایطی در یک رقابت سالم این فعالیت به شرکتی که منافع شرکت هواپیمایی را تأمین کند واگذار می گردد و در این حالت همانگونه که گفته شد امکان استفاده از رانت وجود نداشته و بصورتی شفاف هر متقاضی که توان ارائه خدمات را داشته باشد او برنده مزایده خواهد بود.

ما الان در مقطعی هستیم که فرمان اصل ۳۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری صادر شده است این کار اقدام بسیار موفقی است. بخشی که در آن نگرانی وجود دارد این است که نتکند این فرمان بخوبی اجرا نشود ما نیاز به قوانین و آئین نامه هایی داریم که افرادی که تفکر خلاقانه دارند بتوانند این موارد را بخوبی اجرا نمایند واقعیت این است که چون شرایط غیررقابتی است حضور افراد خلاق و کارآفرین در چنین عرصه ای مشکل ساز است چون باید رقابتهای غیرسالم انجام بدهند و با کسانی رقابت کنند که ارتباطات غیرمتعارف دارند امکان حل موانع و مشکلات هست ولی باید ظرفیتهای سرمایه گذاری به لحاظ نرم افزاری و قوانین فراهم شود ما امکان ایجاد توسعه جدید در سرمایه گذاری را داریم منوط به اینکه حوزه تصمیم سازی و تصمیم گیری جدا شود چون اگر قرار باشد کسانی که تصمیم سازی می کنند تصمیم گیری هم نمایند آنها عاشق تصمیم خود خواهند بود و هر تصمیم دیگری برایشان مطلوب نخواهد بود لذا باید این دو مقوله از هم جدا باشد در حوزه قانون گذاری باید حوزه قانون سازان و قانون گزاران جدا باشد قانون سازان می توانند به اندازه ظرفیتهای کل کشور ظرفیت قانون سازی داشته باشند ولی قانون گزاران در محدوده مجلس فعالیت می کنند و تعداد محدودی قانونگذار توسط مردم انتخاب می شود در مجموع قرار است سند چشم انداز ۲۰ ساله ما را به قدرت اول اقتصادی علمی و فنی تبدیل کند این سندی است که به تصویب مقام معظم رهبری رسیده و مجتمع تشخیص مصلحت نیز آن را تأیید کرده قانون برنامه چهارم به عنوان گام اول تدوین و به تصویب رسیده است این قانون باید بوجه سالیانه اش متناسب با چشم انداز بوده و هرجا که

بخواهد از چشم انداز زاویه پیدا کند باید آن را به مسیر اصلی برگرداند و در واقع باید نگرانی برای اجرای چشم انداز در کشور داشته باشیم باید واحدی دیده بانی کند تا ببیند آیا قانون برنامه چهارم و بوجه ای سنواری در یک مسیر حرکت می کند اگر این حرکت در مسیر صحیح نباشد و به حرکت خود ادامه دهد بعد از مثلا ۵ سال اصلاح آن بسیار مشکل خواهد بود. ما در حوزه سرمایه گذاری نیاز به بسترهای فرهنگی، اقتصادی و قانونی مدون داریم این اتفاق موضوعی نیست که امکان پذیر نباشد کشوری چون مالزی را ببینید که در ۲۵ سال اخیر چه اتفاقاتی در آن به وقوع پیوست یا کشور ترکیه که روزی نماد تورم بود در حال حاضر تورم ۱ رقمی راجع به آن می شنویم که اگر آنها نتوانستند ما چرا نتوانیم؟ ما که با آنها متفاوت بوده و پتانسیل بسیار بیشتری داریم کشور ما روزانه معادل ۴ میلیون بشکه نفت و معادل ۲ میلیون بشکه گاز تولید می

کند اگر نفت را هم ۶۰ دلار در نظر بگیریم قیمت آن می شود ۳۶۰ میلیون دلار - اگر آن را در ۳۶۵ روز ضرب کنیم معادل ۱۳۰ میلیارد دلار خواهد بود. در کشور آلمان در سال ۲۰۰۵ از مجموع ۸۰۰ میلیون دلار صادرات کل سود حاصله ۴۰ میلیارد دلار بوده است به عبارتی از کالاهایی که طراحی، تولید و صادر کرده اند ۴۰ میلیون دلار سود برای آنها باقی مانده است درآمد ما را که سالیانه ۱۳۰ میلیارد دلار است و بر فرض ۳۰ میلیارد دلار آن هم هزینه شود و ۱۰۰ میلیارد دلار بماند یا ۳۰ میلیارد دلار آلمان مقایسه کنید. مبلغ مانده برای ما مانند این است که ۲ هزار میلیارد دلار کالا را طراحی، تولید و صادر نمایم تا ۱۰۰ میلیارد دلار سود باقی بماند کدام کشوری چنین امکان و فرصتی دارد چند کشور واجد تأمین این منابع استراتژیک بدون مشکل هستند و موقعیت ژئوپولیتیک ما را دارند در این زمینه ما جزء کشورهایی هستیم که موقعیت ویژه دارند. کشوری چون سنگاپور چگونه به جایگاه کنونی رسیده است؟ یکی از دلایل اصلی آن موقعیت ویژه این کشور است. کشور ایران یکی از ویژگیهای مثبت دیگری که دارد منابع انسانی آن است. بجز افرادی معدود بقیه مهاجرین ایرانی در کشورهای دیگر جزو نخبگان کارآفرینی، ثروت آفرین و علمی هستند پس چرا برای ما در مقایسه با دیگر کشورها جای تامل به وجود می آید. نوع مدیریت، تصمیم و نبود قوانین شفاف از جمله این دلایل است. زمینه برای ایجاد یک تحول بزرگ در کشور وجود دارد. اگر این تحول مثبت و بزرگ الان رخ ندهد معلوم نیست که در آینده اتفاق بیافتد شرایط با ۴۰-۳۰ سال قبل تفاوت کرده است در آن دوران اگر کشوری از نظر تکنولوژی ۵ سال از کشور دیگر عقب بود پس از ۱۰ سال فاصله آن دو همچنان به میزان ۵

سال بود ولی در حال حاضر رشد و پیشرفت به حدی است که ممکن است برای چند سال فاصله ها بطرز غیر مترقبه ای تغییر کند قبلا گفته شد که ۲*۲ حاصل آن ۴ است ولی الان گفته می شود که می تواند ۲۲ هم باشد کشورهایی چون کره شمالی و جنوبی را مقایسه کنید هر دو تقریبا از یک شرایط نزدیک به هم در موارد مختلف برخوردار هستند ولی در کره شمالی سرانه هر فرد حدود زیر یک دلار است و سالانه صدها نفر از گرسنگی جان خود را از دست می دهند ولی در کره جنوبی سرانه افراد ۱۵ هزار دلار می رسد هم می شود مانند کره شمالی بود و هم مانند کره جنوبی - هرگونه غفلت منجر می شود کشورمان به کشوری غیردرجه اول تبدیل شود در آینده کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته گفته نمی شود بلکه کشورهای دانا و غیردانا اطلاق می شود اگر کشوری موفق عمل نکند جزء داناها نخواهد بود هرگونه غفلت

سال بود ولی در حال حاضر رشد و پیشرفت به حدی است که ممکن است برای چند سال فاصله ها بطرز غیر مترقبه ای تغییر کند قبلا گفته شد که ۲*۲ حاصل آن ۴ است ولی الان گفته می شود که می تواند ۲۲ هم باشد کشورهایی چون کره شمالی و جنوبی را مقایسه کنید هر دو تقریبا از یک شرایط نزدیک به هم در موارد مختلف برخوردار هستند ولی در کره شمالی سرانه هر فرد حدود زیر یک دلار است و سالانه صدها نفر از گرسنگی جان خود را از دست می دهند ولی در کره جنوبی سرانه افراد ۱۵ هزار دلار می رسد هم می شود مانند کره شمالی بود و هم مانند کره جنوبی - هرگونه غفلت منجر می شود کشورمان به کشوری غیردرجه اول تبدیل شود در آینده کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته گفته نمی شود بلکه کشورهای دانا و غیردانا اطلاق می شود اگر کشوری موفق عمل نکند جزء داناها نخواهد بود هرگونه غفلت

در برنامه های توسعه خسارتها غیرقابل جبرانی را بوجود خواهد آورد برای اینکه رشد و توسعه وجود داشته باشد باید سرمایه گذاری انجام شود برای سرمایه گذاری باید زیرساختها فراهم گردد و ساز و کارهای اجرایی خوبی تدبیر و اندیشیده شود در اینصورت است که ثروت کشور هر روز رشد نموده و توسعه بهتر می شود. سرمایه گذاری در کشور باید توسط کارآفرینان و ثروت آفرینان انجام شود اینها کسانی هستند که دارای ظرفیتهای خلاقیت، نوآوری، کارایی، تصمیم سازی و تصمیم گیری هستند این افراد اگر بعنوان لیدرهای سرمایه گذاری در کشور مطرح شوند در آن زمان می توانیم ادعا کنیم که نرخ بیکاری را به نرخ متعارف و قابل قبول تبدیل خواهیم کرد. این نکته مهمی است که همه مردم می توانند سرمایه گذاری کنند و در توسعه بعنوان یک عنصر موثر باشند ولی همه آنها نمی توانند مسوولیت کارآفرینی و ثروت آفرینی را برعهده گیرند. پس اگر بسترها فراهم شود بخاطر وجود پتانسیل بالا و منابع غنی مالی پیشرفت امکان پذیر است البته این پیشرفت منوط به منابع داخلی کیستند به عرصه روابط بین المللی نیز ارتباط دارد بسیاری از مسائلی که ما برای حل آنها تلاش می کنیم خود معلول موضوع دیگری است مثلا بالا رفتن سن ازدواج - معلول بیکاری است اگر جوان شغل و درآمد داشته باشد طبیعی است که ازدواج نیز می کند. فقر که به معنای یک کلمه بسیار خسارت بار است در واقع محصول با واسطه عدم سرمایه گذاری است نباید راضی به این باشیم که جامعه مان فقیر باشد اگر ما توانمندسازی را در بخشهای مختلف داشته و فرصتها را به طور برابر تقسیم کنیم. عدالت هم استقرار پیدا می کند.

■ **با توجه به شرایط فعلی کشور در زمینه هایی که سرمایه گذاری شرایط مطلوبتری دارد توضیح فرمایید. (تولید، خدمات، کشاورزی).**
همه این موارد با هم می توانند انجام گردد به عبارتی تمامی این بخشها زمینه سرمایه گذاری دارد از نظر بخشهای اقتصادی گفته می شود که هر بنگاهی از نظر مهندسی و بازاریابی یا بررسی دقیق از وضعیت بازار وارد کار بشود موفق تر خواهد بود و اگر کسی بخواهد وارد کار تولید شود نباید خود را درگیر تولید سنتی نماید به عبارتی شما می توانید تولید کننده باشید بدون اینکه خودتان کارکردی داشته باشید که بخواهد با مشکلات کار مرتبط باشد یک متقاضی سرمایه گذاری اول باید تعریفی از اهداف خود داشته باشد مثل همین تعریفی که از چشم انداز ۲۰ ساله آمده است و قرار است ایران را در آینده به قدرت اول منطقه ای مبدل نماید. این برای اولین بار است که ما تعریفی از آنچه می خواهیم داشته باشیم نموده ایم. بحثی که وجود دارد این است که باید به برنامه چشم انداز بیشتر پرداخته شود در مالزی زمانی که می خواستند برنامه ۲۰-۲۰۰ را اجرا کنند همه جا صحبت از این برنامه بود باید در کشور ما نیز بسیار بیشتر از زمان کنونی در مورد سند چشم انداز بحث صورت گیرد اگر قرار باشد کشورمان در ۲۰ سال آینده به قدرت اول منطقه تبدیل شود باید متعصبانه خود که میزبان سرمایه گذاری لازم است سرمایه گذاری ها در چه بخش هایی باید انجام شود و از چه فرصتهایی باید نهایت استفاده را برد بنده در این زمینه مثالی را مطرح می کنم در دوره ای که بنده استاندار کرمانشاه بودم ما را در یکی از جلسات هیات دولت دعوت کردند که گزارش ارائه دهیم در آن جلسه رئیس جمهور وقت آقای خاتمی از بنده سوال کردند که چه کمکی

می‌توانیم به شما انجام دهیم؟ بنده پاسخ دادم در یک جمله تقاضا داریم زمینه ای فراهم شود تا سرانه تولید ناخالص ملی در استان کرمانشاه مشابه متوسط کشور باشد. این درخواست به حقی بود که تصویب شده در مورد چشم انداز ۲۰ ساله کشور نیز ما باید برای اینکه بعنوان قدرت اول منطقه مطرح شویم علاوه بر آنچه که در چشم انداز آمده به این نکته نیز توجه کنیم که در کشورهای دیگر چه رخ می دهد، آنها چه شرایطی دارند و ما باید چه کنیم که بالاتر از آنها باشیم. ما گام اول را بعنوان برنامه چهارم توسعه برداشته ایم و نفت و گاز را بعنوان اصلی ترین سرمایه کشور مورد توجه قرار داده ایم نفت می تواند بعنوان موتور توسعه باشد چون قبلا نیز اشاره کردم که سالانه کشور ما ۱۳۰ میلیارد دلار در آمد دارد که باید هزینه توسعه کشور شود مبلغی این مورد می تواند در خود بخش نفت، گاز و پتروشیمی هزینه شود ما باید تا جاییکه توان داریم به سوی تولید محصول نهایی در حوزه نفت و پتروشیمی برویم این به معنای سرمایه

گذاری وسیع در زیرساختهای نفت است که نتیجه آن اشتغال و توسعه می باشد در بخش زیرساخت ها یکی از اساس پیشرفت مجموعه راه های ارتباطی کشور است که منظور مسیرهای جاده ای، ریلی هوایی و دریایی می باشد. از طرفی ارتباطات از جمله مخابرات و ICT نیز موضوع مهمی است که باید مورد توجه قرار بگیرد بحث منابع آب باید بشدت مورد توجه قرار بگیرد بنظر من در آینده آب گران تر از نفت بوده و از اهمیت بیشتری برخوردار می شود. استفاده بهینه از آب را باید سازماندهی کنیم تمامی این مواردی که ذکر شد بخشهایی است که می تواند برای سرمایه گذاری مد نظر قرار گرفته و در جهت توسعه آنها اقدام شود.

■ واگذاری سهام بخشهای دولتی با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی چگونه باید انجام گیرد؟

ابلاغ اصل ۴۴ پس از کارهای کارشناسی اقدامی متریقی بوده و می تواند بسیار تاثیرگذار باشد بشرط آنکه به درستی اجرا شود بنده معتقدم که نباید در این مورد دولت به تنهایی فعالیت کند بلکه با فراهم کردن ساز و کاری زمینه ای باید فراهم شود که دولت، مجلس و بخش خصوصی این واگذاری را به انجام برسانند بخش خصوصی که می خواهد این واحدها را تحویل گیرد باید از ابتدا درگیر آن باشد بخشهای تصمیم گیر و تصمیم ساز در خود این بخشها منظور دولت، مجلس و بخش خصوصی باید جدا باشند. در کنار آن یک نظام ارزیابی

هم باید بوجود آید تا توجه کند که اجرای این فرمان در مسیر صحیح حرکت کند باید تعریف شود که فرمان واگذاری سهام بخشهای دولتی در چه پروسه زمانی صورت می گیرد مثلا اگر ۵ ساله است باید برای ماه به ماه آن نیز برنامه داشت و اجرای این فرمان از آغاز و مراحل جزء به جزء تا پایان زمان ۵ ساله مورد بررسی قرار گیرد در این زمینه باید طوری عمل شود که روابط غیر متعارف جایگاهی در واگذاری سهام نداشته باشد اگر واحد غیرانتفاعی قرار است واگذار شود طی مزایده این اقدام انجام شود و دولت هم هزینه آن را بپردازد نکته قابل توجه این است که اگر کسی با تغییر و مدیریت یکی از این واحدها را شکوفا کرده و به سوددهی مناسب رساند نباید او را مورد بازخواست قرار داده با او به جرم اینکه از کجا آورده ای برخورد کنیم بعنوان جمع بندی اینکه در واگذاری سهام چه موضوعاتی باید مورد توجه قرار بگیرد باید بگویم که ۱۰ بخشهای دولتی، خصوصی و مجلسی باید همه حضور داشته باشند. ۲۰ آئین نامه ها و قوانین مناسب فراهم شود. ۳۰ حوزه تصمیم سازی و تصمیم گیری باید جدا باشد. ۴۰ فرایند واگذاری کاملا مشخص و شفاف باشد. ۵۰ برنامه زمان بندی از شروع تا پایان و مراحل میانی آن کاملا مشخص باشد. در این زمان می توان به موفقیت این برنامه امیدوار بود. باید توجه داشت که کشورمان در هیچ زمانی به اندازه زمان کنونی آمادگی رشد و شکوفایی نداشته است شرایط نسبت به ۲۰-۱۵ سال پیش تفاوت کرده است ما در آن زمان برای رشد و توسعه با محدودیت منابع روبرو بودیم ولی امروز این محدودیت وجود ندارد در زمان کنونی پیشرفت و توسعه یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و ما حق غفلت نداریم آیندگان در صورت کوتاهی ما در برهه کنونی هرگز ما را نخواهند بخشید و ما بدنام

خواهیم شد. اگر ما یک جهش اساسی نداشته باشیم به آنچه در چشم انداز مشخص شده نخواهیم رسید بنده اعتقاد دارم که غیرممکن وجود ندارد یکی از موانعی که باید برداشته شود این است که کارآفرینی و ثروت آفرینی باید به ارزش تبدیل شود بعضا گفته می شود کشور ما پول دارد و لذا نیازی به خارجی ها نداریم باید دانست که در بحث سرمایه گذاری خارجی فقط پول آنها مطرح نیست تکنولوژی آنها و دانش مدیریت آنها نیز مورد نیاز ما است پیمانکارهای بین المللی وقتی می گویند پروژه ای را در ۱۸ ماه به پایان می بریم اگر در این مدت کار را به پایان نرسانند خسارتهای سنگینی را می پردازند ولی در کشور ما اگر پروژه ای ۵ سال از زمان پیش بینی شده هم بگذرد کسی پاسخگو نیست ظرفیتهای جذب سرمایه گذاری در ایران بسیار بالاست و اگر امنیت سرمایه گذاری فراهم شود زمینه توسعه آن بسیار بالاست البته بنده ضمن توجه به توانمندی خارجی ها اتکا به توانمندی نیروهای داخل را نیز در کنار آن اصلی مهم می دانم خود ما در بانک پارسیان که نمادی از یک نهاد کارآفرینی و ثروت آفرینی است. این بانک ۸۵ هزار نفر سهامدار حقیقی و ۳۶۶ شخصیت حقوقی دارد و شاید از عمده ترین بنگاه های اقتصادی ایران باشد از طرفی کاملا کارآفرین است در سال گذشته حدود ۵۵۰۰ میلیارد تومان تسهیلات برای بخشهای صادرات کالا، مسکن و تجارت پرداخت شده است پس از تحولات اساسی که در بازار سرمایه رخ داد بانک پارسیان را به این اندیشه انداخت که از بازار ثانویه به بازار اولیه بیاورد یعنی سرمایه گذاری مستقیم و به این دلیل، شرکت سرمایه گذاری پارسیان تأسیس شد و حدود ۴ ماه است که شرکت فعالیت اصلی خود را شروع کرده و در حوزه های صنعت، ساختمان، هتل و مراکز تفریحی مشارکت می نماید همچنین نفت، گاز، پتروشیمی، تجارت، مواد اولیه و صنعت حمل و نقل از دیگر بخش هایی است که در آن مشارکت خواهد کرد.





در مه !!

بورسی

خانم صفاریان - کارشناس ارشد و معاون مرکز تحقیقات بورس تهران



رو می بیند. بی ثباتی قوانین و مقررات اقتصادی نیز به نوبه خود ریسک سرمایه گذاری را که فرآیندی عموماً دیربازده است افزایش می دهد. از سوی دیگر حضور ایران در منطقه ای بی ثبات که هر از گاه شاهد رویارویی نظامی و سیاسی است نیز به خودی خود خطر سرمایه گذاری به ویژه توسط اتباع خارجی را می افزاید. سرمایه گذاری به ویژه سرمایه گذاری داخلی در بورس با سهولت بیشتری امکان پذیر است و شرکت های پذیرفته شده در این بازار با انتشار اوراق جدید و با استفاده از ساز و کار معاملاتی بازار اوراق بهادار، توان جذب منابع مورد نیاز خود را دارند. سرمایه گذاری خارجی در بورس اما شرایط متفاوتی دارد و شمشیری دو لب تلقی می شود. از سویی ورود منابع خارجی به اقتصاد داخلی منافع خاص خود را دارد و از دیگر سو گریز ناگهانی منابع مالی مزبور به عنوان خطری بالقوه همواره بورس را تهدید می کند. از این رو مسئولان بازار سرمایه شروطلی همچون عدم انحراف خروج سرمایه سرمایه گذاران خارجی از بورس در دامنه زمانی سه ساله را بر این گونه سرمایه گذاری ها تحمیل کرده اند که هر چند خطر چنین سرمایه هایی را برای بورس کاهش می دهد لکن از جذابیت بورس برای خارجیانی می کاهد.

شامل می شود، مهمترین عامل بهبود زیرساخت های کشور به منظور تولید بیشتر محسوب می شود که دلیل اصلی رشد اقتصاد کشورها در حال توسعه است. از طرفی گسترش بازار پول و سرمایه و انواع اوراق بهادار و دارایی های مالی و انواع واسطه های مالی هم نشان دهنده گسترش سرمایه گذاری از نوع مالی آن در اکثر کشورها می باشد. این نوع سرمایه گذاری هم عموماً در صنایع و خدمات متفاوت است که باعث افزایش تولید این بخش ها، افزایش تولید ناخالص داخلی و در نهایت رشد اقتصادی کشور می شود. سرمایه گذاری در مراکز تحقیقاتی (R & D) می تواند سبب افزایش کیفیت سندهای تولیدی شود و توان رقابتی کشورهای در حال توسعه را در رقابت اقتصادی دهکده جهانی افزایش دهد. از دیگر سو سرمایه گذاری خارجی اغلب با ورود تکنولوژی و مدیریت روزآمد همراه است و از این بابت نیز مودر رشد و توسعه اقتصادی خواهد بود.

انواع سرمایه گذاری ها کدام است؟

سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار را می توان از دو دیدگاه منبع سرمایه و روش سرمایه گذاری به داخلی یا خارجی و نیز مستقیم و غیرمستقیم طبقه بندی کرد. لازم به تذکر است که سرمایه گذاری در بورس در فرآیند افزایش سرمایه شرکت ها و نه در خرید و فروش سهام منتشره رخ می دهد و بدین ترتیب معاملات سهام و اوراق مشارکت دست دوم، سرمایه گذاری تلقی نمی شود. سرمایه گذاری داخلی و خارجی در بورس به ترتیب با خرید اوراق حق تقدم شرکت ها به صورت بی واسطه و سرمایه گذاری غیر مستقیم با خرید سهام شرکت های سرمایه گذاری که خود به خرید اوراق بهادار شرکت ها مشغولند، محقق می شود.

زمینه های سرمایه گذاری در کشور ما در چه

بخشهایی دارای مزیت نسبی است؟ ایران در زمینه های بسیاری از پتانسیل جذب سرمایه برخوردار است منابع انسانی فراوان، کارآمد و کم هزینه در صنایع کاربر نمود بیشتری می یابد. بدین ترتیب بخش های کشاورزی، صنایع تبدیلی، مسکن، معدن و بخش هایی از این دست می توانند از جذابیت فراوانی برای سرمایه گذاری برخوردار باشند. بورس اوراق بهادار با جذب شرکت های گوناگون در بخش های متفاوت اقتصادی امکان ورود سرمایه به چرخه اقتصادی را تسهیل می کند و با فراهم آوردن امکان نقد شوندگی سرمایه، ریسک سرمایه گذاری را کاهش و انتقال آن از بخشی به بخش دیگر را میسر می سازد.

موانع سرمایه گذاری در کشور ما چیست؟

شاید بتوان مشکل اصلی در راه سرمایه گذاری در ایران را مسائل فرهنگی دانست. بدیهی است که سرمایه گذاری توسط سرمایه گذار صورت می گیرد و سرمایه گذار فردی است که ثروت فراوانی مازاد بر مصرف خود دارد. پذیرش چنین افراد ثروتمندی در جامعه ایران به راحتی صورت نمی گیرد و این افراد هر از گاه با عنوانی متناوب آلوده می شود. سوء استفاده و انجام تقلبات اقتصادی می شوند. از دیگر سو اعطای مجوز سرمایه گذاری نیز فرآیندی طولانی را پیش

در هر کشوری بورس به

عنوان بازار سرمایه یکی از مهمترین منابع مالی و سرمایه گذاری محسوب می شود و رونق بورس شاهدیست از رونق صنعت و اقتصاد آن کشور. بحث سرمایه گذاری و فاینانس و تامین منابع مالی صنایع مختلف در پروژه های اقتصادی کوچک و بزرگ ایران همواره مورد بحث و بررسی عامل اقتصادی بوده است و اینکه چگونه سرمایه گذاران داخلی و خارجی و اعتماد بازار سرمایه نسبت به انجام پروژه های اقتصادی در ایران جلب شود. برنامه های عملکردی گوناگونی ارائه شده است اما اینکه در حال حاضر در چه وضعیتی بسر می بریم و واقعا جای سوال است اینکه بازار بورس در ایران چگونه عمل می کند و آیا ضوابط و شرایط تعاریف یک بورس متداول در دنیا را داراست. آیا این بورس با شرایط حاضر می تواند یکی از اصلی ترین وظایفش را که همانا تامین مالی کوتاه مدت و بلند مدت و اهدافی اقتصادی و صنعتی است را انجام دهد یا به قول برخی تبدیل به قمارخانه شده است؟! فی الواقع صنعتگران ما برای تامین مالی پروژه ها و طرح های توسعه ای خود چه کانال هایی در اختیار دارند؟ اگر از طریق بانک با هزار منت و تقاضا و خرید هدایای گرانقیمت برای تسریع در کارشان جهت اخذ یک وام صنعتی نتوانند کاری انجام دهند این بازار سرمایه این امکان را به شما داده است؟ یا... سوالاتی از این دست و اهمیت بحث سرمایه گذاری در را توسعه ایران عزیز سبب شد برای تهیه یکی از مطالب گزارش ویژه این شماره به سراغ بورس تهران و دبیرکل آن جهت پرسش سوالات فوق برویم. با توجه به مشکلات بسیار زیاد دبیرکل محترم، پاسخگویی به سوالات ما به عهده آقای دکتر محسنی یکی از اعضای هیات مدیره و رئیس مرکز تحقیقات و توسعه بازار

در مورد اهمیت سرمایه گذاری و جایگاه آن در دنیای کنونی توضیحاتی بفرمائید.

سرمایه گذاری به معنی افزایش ظرفیت تولید، نشر سزایی در رشد اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری و بهبود پارامترهای توسعه نیروی انسانی دارد. به گونه ای که سرمایه گذاری از نوع اقتصادی آن که خرید تجهیزات سرمایه ای را

تأثیر قوانین را در توسعه یا عدم توسعه

سرمایه گذاری در کشور چگونه می بینید؟ بی شک قوانین نقش در خور ملاحظه ای در جذب یا دفع سرمایه ایفا می کنند، اما شاید ثبات قوانین اهمیت بیشتری از ماهیت آنها داشته باشد. سرمایه گذاری فرآیندی بلند مدت است که از مرحله امکان سنجی طرح های اقتصادی آغاز می شود و بررسی شرایط و فضای قانونی عملکرد اقتصادی در این مرحله اهمیت حیاتی دارد. تغییرات اثر گذار و مداوم قوانین عملکرد اقتصادی را متاثر می سازد و ریسک سرمایه گذاری را افزوده، از اطمینان سرمایه گذاران می کاهد. بدین ترتیب پهناسازی قوانین اقتصادی و به همان میزان ثبات قوانین نقش انکارناپذیری در جلب اطمینان سرمایه گذاران دارد.

چشم انداز آتی سرمایه گذاری در ایران را

چگونه می بینید؟ در کوتاه مدت با توجه به افزایش ریسک اقتصادی در ایران که عمدتاً از تنش های حاکم بر منطقه خاورمیانه حاصل شده است، نمی توان چندان به افزایش سرمایه گذاری در ایران امیدوار بود. در بلند مدت اما پتانسیل اقتصادی ایران از توانایی جذب منابع سرمایه گذاری داخلی و خارجی برخوردار است و می توان به افزوده شدن سرمایه گذاری امید فراوان داشت که در این میان بورس اوراق بهادار نیز توانایی ایفای نقشی جدی را برخوردار است.

برای هدایت سرمایه های ایرانیان مقیم خارج

چه راهکارهایی پیش بینی شده است؟ ۷- سرمایه هفتک ایرانیان مقیم خارج از کشور می تواند در دسترس ترین منابع خارجی برای اقتصاد ایران باشد که با تسهیل ورود این منابع و کاهش ریسک قابلیت های اقتصادی قابل جذب است. بورس اوراق بهادار میان سرمایه ایرانیان داخل و خارج از کشور تفکیکی قابل نشده است و از این رو ایرانیان خارج از کشور نیز با همان مکانیزم مورد استفاده هموطنان داخل و به راحتی قادر به سرمایه گذاری از طریق بورس هستند.

کارفرمایان عزیز، شماره چهارم هم در راه است